

رابطه حکمرانی خوب با نابرابری درآمدی در کشورهای
منتخب جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان
همکاری اقتصادی و توسعه

**The Effect of Good Governance Indicators
on Income Inequality Selected Countries
Southwest Asia and the Countries of the
Organization for Economic Cooperation
and Development**

Mohamad khosroabadi¹, Mohsen

Zayanderoody², Alireza Shakibae³

Introduction: This research aimed to surveying the influence and critical role that good governance might play with regard to the increasing trends in income inequality, numerous rates of unemployment, lack of economic justice in different societies especially within developing countries, and in carrying out government's duties to achieve a better distribution of income. Hitherto, income distribution has been one of the main concerns of the government. Since the income distribution and social justice are, often, alleged to be associated with poverty issues this might have led to some short-term solutions to fix the problems. On the other hand, scholars in the fields of Economists tend to claim that the phenomenon of inequality of income distribution might be shows some sorts of internal resistance and without considering the effective factors short-term solution

1. PhD in Economics,
<khosroababdimoahamad@gmail.com>
2. PhD in Economics
3. PhD in Economics

محمد خسروآبادی*، محسن زاینده‌رودی**،
علیرضا شکیبایی*

مقدمه: روند فزاینده نابرابری درآمدی، نرخ بالای بیکاری و نبود عدالت اقتصادی در جوامع مختلف و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و نقش ویژه دولت‌ها در رسیدن به توزیع مناسب درآمد و تأمین رفاه اجتماعی و با توجه به اینکه توزیع درآمد یکی از دغدغه‌های اصلی و مهم دولت است و چون غالباً توزیع درآمد از مسائل عدالت اجتماعی و فقر مورد توجه قرار می‌گیرد، همین امر موجب شده است تا راه‌حلهای کوتاه مدت برای رفع این مشکل توصیه نشود. در حالیکه پدیده نابرابری توزیع درآمد، به خاطر مقاومت نیروهای درونی، پایداری از خود نشان می‌دهد و اجرای سیاستهای کوتاه مدت، بدون شناخت عوامل تأثیرگذار، پیامدهای نامطلوبی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی بدنیا می‌آورد. بنابراین برای مقابله با مشکل توزیع ناعادلانه درآمد باید عوامل مؤثر بر آن را شناخت و با اتخاذ سیاستهای مناسب در راستای بهبود توزیع درآمد اقدام نمود. این نشان می‌دهد

* دکتر اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سبزوار، ایران،
(نویسنده مسئول)،
<khosroababdimoahamad@gmail.com>

** دکتر اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران
*** دکتر اقتصاد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

might have adverse effects on income distribution and economic growth. In order to deal with the problem of unfair income distribution the effective factors should be identified and appropriate policies should be taken to modify income distribution. This shows the income distribution is as important in the society as almost all the economists highlight income distribution as government's critical goal and task. The presence of good governance and equal income distribution is required to reduce poverty. This signifies the need for good governance and with respect to a result of a two-state models (maximum vs. minimum), one may feel the need for such a good governance.

Method: The present research is a case study with an econometric approach aimed to put the social and economic theories in the field. The causal relationships between variables can be analyzed by using figures. As the current study conducted in some countries and data governance have been publishing since 1996, it is limited to the number of years that series econometrics could not be used for them. Econometric methods using panel data were used to estimate the models. Moreover, time series data was used to estimate the

که اهمیت توزیع درآمد در جامعه به حدی است که تقریباً تمامی اقتصاددانان یکی از اهداف و وظایف عمده دولت را توزیع درآمد ذکر می‌کنند. حتی می‌توان آن جزء بارز و مشخص یک دولت کارآمد دانست و با توجه به پیامدهای حاصله از دو الگوی دولت حداکثر و دولت حداقل می‌توان به این نتیجه رسید که حضور حکمرانی خوب برای کاهش سطح فقر و توزیع برابر درآمدها الزامی است. روش: پژوهش حاضر مطالعه‌ای بین‌کشوری بوده و با توجه به اینکه داده‌های حکمرانی از سال ۱۹۹۶ میلادی منتشر شده است، دوره مورد مطالعه محدود به تعداد سالهایی است که نمی‌توان از اقتصادسنجی سری زمانی استفاده نمود. از این رو برای تخمین مدل از روش اقتصادسنجی داده‌های ترکیبی (پانل داده‌ها) استفاده می‌شود و همچنین تخمین داده‌های سری زمانی طی دوره ۱۲ ساله ۲۰۱۰-۱۹۹۹ با استفاده از نرم افزار *Eviews* انجام می‌شود.

یافته‌ها: نتایج حاصل از برآورد شاخصهای حکمرانی بر نابرابری درآمدی در دو گروه منتخب نشان می‌دهد که شاخصهای حکمرانی خوب رابطه منفی با ضریب جینی داشت. همچنین از طریق محاسبه میانگین موزون شاخصهای حکمرانی خوب بر اساس مدل گانسی و دانکن (۲۰۰۴)، کیفیت حکمرانی معرفی شده و تأثیر آن بر توزیع درآمد مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحقیق مدل نشان می‌دهد که کیفیت حکمرانی که

12-year period from 1999 to 2010 via Eviews8 software.

Findings: According to the results of this research, it can be stated that indicators of good governance have a significant negative impact on the Gini coefficient. Paying attention to governance and quality of governance can increase the economists' ability of explaining the empirical facts. As the advanced countries have high indicators of good governance, transition Countries that seek to improve the economic situation, especially the improvet the income distribution in society, should pay attention to this indicator. The findings indicate that improving any component of governance will make positive changes in order to improve income distribution in selected countries in South-Western Asia and the countries of the Organization for Economic Cooperation and Development (OECD).

Discussion: This study examined the impact of the governance to reduce inequalities in two countries of South-Western Asia and countries of the Organization for Economic Cooperation and Development during the period from 1996 to 2010 and by using panel data. Many economists believe

از طریق میانگین موزون شاخصهای حکمرانی خوب محاسبه شده است دارای تأثیری منفی و معنادار بر ضریب جینی است. به گونه‌ای که توجه به مؤلفه‌های حکمرانی و کیفیت حکمرانی می‌تواند، توانایی اقتصاددانان در توضیح واقعینهای تجربی در جهت کاهش نابرابری در سطح جهان افزایش و زمینه‌ساز اتخاذ سیاستهای اقتصادی واقع‌بینانه‌تری مبتنی بر واقعینهای آن جامعه و کشور باشد و با توجه به اینکه کشورهای پیشرفته از لحاظ شاخصهای حکمرانی خوب در سطح بالایی هستند، کشورهای در حال گذر که به دنبال بهبود وضعیت اقتصادی به‌ویژه بهبود توزیع درآمد در جامعه هستند بایستی به این شاخصها توجه جدی داشته باشند. و در جهت اجرا و پیاده‌سازی آن بکوشند. در واقع یافته‌ها دلالت بر این مسئله دارند که بهبود هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی تغییرات مثبتی را در جهت بهبود توزیع درآمد در کشورهای مورد مطالعه کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه داشته باشند.

بحث: هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر شاخصهای حکمرانی بر کاهش نابرابری در دو گروه از کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا و کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه طی دوره زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ با استفاده از روش پانل داده است. بسیاری از اقتصاددانان معتقدند بهبود شاخصهای حکمرانی یک معیار اساسی برای بهبود توزیع درآمد و رفاه

the improvement of the governance is a fundamental measure to improve income distribution and social welfare. Regarding the findings of this research the government can use such indicators in the successful countries through the improvement of the governance model of good governance (transparency, effectiveness, political stability and lack of violence and terrorism, government effectiveness indicator index terms, index, rule of law and corruption control index). These indicators lead to reducing the cost trade, increasing investment, production and employment, and contribute to reducing income inequality. Since good governance factor driving economic growth, wealth creation and ultimately increase employment and improve income distribution are required studied countries, especially the countries of South-Western Asia have to pay much attention to them. As this indicators of governance situation is not good in the countries of South-Western Asia, in the end, some suggestions offered to improve the situation in this countries. So that good governance is important to reduce inequalities in the distribution of income and long-term performance. Due to the high level of inequality in developing

اجتماعی است. یافته‌های مطالعه نیز بیانگر اثر منفی و معنادار شاخصهای حکمرانی بر نابرابری درآمدی هر دو گروه است. دولت‌ها با بکارگیری الگوی حکمرانی خوب در کشورهای موفق از طریق بهبود شاخصهای حکمرانی (شاخص شفافیت و اثربخشی، شاخص ثبات سیاسی، عدم خشونت و تروریسم، شاخص اثربخشی دولتی، شاخص کیفیت قوانین و مقررات، شاخص حاکمیت قانون و شاخص کنترل فساد) باعث کاهش هزینه‌های معاملاتی، افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش تولید، افزایش اشتغال و کاهش بیکاری می‌شوند و از این طریق به کاهش نابرابری درآمدی کمک می‌نمایند. با توجه به اینکه حکمرانی خوب عامل محرکه رشد اقتصادی، تولید ثروت و در نهایت بهبود وضعیت اشتغال و افزایش توزیع درآمد است، باید کشورهای مورد مطالعه به‌ویژه کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا به این معیار مهم توجه زیادی داشته باشند و با توجه به اینکه وضعیت شاخصهای حکمرانی در کشورهای منطقه جنوب غربی آسیا مناسب نیست، در انتها پیشنهاداتی به منظور بهبود وضعیت این کشورها ارائه می‌شود. عملکرد بلندمدت حکمرانی خوب در عادلانه شدن توزیع درآمد و کاهش نابرابری حائز اهمیت است. با توجه به سطح بالای نابرابریها در کشورهای در حال توسعه، به‌ویژه کشورهای جنوب غرب آسیا پیشنهاد می‌شود سیاستمداران و مدیران اقتصادی در این کشورها، جهت کاهش

countries, especially the countries of South West Asia it is suggested that politicians and economic managers in these countries, pay more attention to indicators of good governance and use them in order to reduce inequality.

Keywords: Income Distribution, Gini Coefficient, Good Governance, Panel Data

نابرابری و فاصله طبقاتی، توجه بیشتری به شاخصهای حکمرانی خوب داشته باشند.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، توزیع درآمد، داده‌های تابلویی، ضریب جینی

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۱۳

مقدمه

بررسی عمقی بحث گذار از دولت حداکثر به دولت حداقل و سپس نظریه حکمرانی خوب نشان می‌دهد که قبل از پایان جنگ جهانی دوم تا حدودی دیدگاه کینزی که لزوم دخالت دولت را تجویز می‌کرد در میان کشورها رواج داشت. مسائلی همانند بازسازی خرابیهای ناشی از جنگ جهانی و دوران رکود بزرگ امریکا، باعث توجهات محکم‌تری برای افزایش مداخله دولت در ابعاد مختلف شده بود. روند افزایش مداخله دولت در اقتصاد، مشکلات عدیده اقتصادی، ناکامیهای مستمر سیاستهای اقتصادی و بروز اختلاف در ابعاد مختلف اقتصادی باعث شد تا بار دیگر تئوری کلاسیک (دولت حداقل) بتواند از تئوری رقیب پیشی گیرد (بشیری و شقاقی شهری، ۱۳۹۰).

سرانجام در پایان دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ در کشورهای صنعتی، بحث کوچک‌سازی دولت و سیاست خصوصی‌سازی به منظور رفع اختلافات و انگیزه‌های پیدایش آنها مورد توجه جدی قرار گرفت. اما با توجه به امر کوچک‌سازی دولتها تا پایان دهه ۸۰ میلادی، مشکلات و مسائلی که متعاقب نظریه حداقل دولت وجود داشت موجب شد از اواسط دهه ۹۰ میلادی نارضایتی